

## سنخ‌شناسی و تبیین رفتاری صحابه پیامبر(ص) در غزوه تبوک بر اساس سوره توبه<sup>۱</sup>

علی محمد ولوی<sup>۲</sup>، هدیه تقوی<sup>۳</sup>

### چکیده

در غزوه تبوک - بر خلاف دیگر غزوات - میزان مشارکت فعال مسلمانان کاهش یافته بود و سستی آنان در جهاد، باعث تاخیر در تدارک سپاه و حرکت به سوی میدان نبرد شده بود. عده‌ای از صحابه با کارشکنی، عذر خواهی و بهانه آوردن درصدد بودند حضور نیافتن در جنگ را توجیه کنند. خداوند در سوره توبه در واکنش به این وضع، با افشای نیت‌های این گروه‌ها، دلایل حقیقی مشارکت نکردن آنان را بیان کرد. بر اساس آیات سوره توبه، گروه‌هایی از سپاهیان حتی آنانی که تظاهر به همراهی نمودند در عمل به کارشکنی و ایجاد رعب در میان مسلمانان پرداختند. یکدست نبودن رفتار صحابه در غزوه تبوک موجب پیدایش گونه‌های رفتاری شد که در سوره توبه این گونه‌ها به دقت شناسایی شده‌اند. در این سوره، هشت گونه رفتاری در جهت همراهی با پیامبر(ص) معرفی شده است. یکسان نبودن میزان همراهی آنان باعث شده که این گونه‌ها در پنج سنخ از همراه کامل تا غیرهمراه قرار داده شوند. در این مقاله با روش توصیفی-تبیینی ابتدا گونه‌های رفتاری صحابه در غزوه تبوک شناسایی شده و سپس به علت تنوع رفتاری آنان بررسی می‌شود. به نظر می‌رسد تنوع رفتاری اصحاب پیامبر(ص) در غزوه تبوک ریشه در نوع نگرش آنان و تعارض سنت‌های اجتماعی با ارزش‌های دینی داشته است.

**کلید واژه‌ها:** تبیین رفتاری، پیامبر(ص)، سنخ‌شناسی، سوره توبه، صحابه، غزوه تبوک.

۱. دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۱۲ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۰۲/۲۳

۲. استاد تاریخ اسلام، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران. رایانامه: amvalavi@alzahra.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران. رایانامه: htaghavi@ymail.com

### مقدمه

دعوت پیامبر(ص) از مسلمانان جهت مقابله با تهدید رومیان و عزیمت به تبوک با بی رغبتی و ناهماهنگی از جانب عده ای از اصحاب مواجه شد. این مسئله صرفاً مختص به تازه مسلمانان مکه و قبایل اطراف مدینه نبود، بلکه در میان اصحاب پیامبر(ص) کسانی که سال‌ها در مدینه زندگی می‌کردند، شور و اشتیاقی برای همراهی دیده نمی‌شد. بهانه جویی، ترس از قدرت روم، شرایط سخت زمانی و مکانی و گرمای هوا از علل ظاهری سستی صحابه در تدارک سپاه و همراهی با پیامبر(ص) بود. خداوند در آیه ۳۸ سوره توبه " یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ " با اشاره به این وضع به آنان هشدار داده است. عده ای نیز با تظاهر به همراهی، در عمل، مغایر با ارزش‌های دینی رفتار می‌کردند. معیار تشخیص رفتار صحابه در غزوه تبوک، میزان همراهی آنان با پیامبر(ص) است که بر این اساس، هشت گونه رفتاری در پنج سنخ (۱) همراه کامل و بی قید و شرط، (۲) همراه حداکثری، (۳) نیمه همراه و منفعت طلب، (۴) همراه حداقلی و عافیت طلب (۵) غیر همراه تقسیم شده است. رفتار این سنخ‌ها در دو جنبه قول و فعل مورد توجه قرار گرفته است.

تنوع رفتاری اصحاب پیامبر(ص) در غزوه تبوک این سوال را ایجاد می‌کند که چرا با حضور پیامبر(ص) در جامعه و قدرت سیاسی فزاینده اسلام، صحابه برای همراهی با پیامبر(ص) در این غزوه دچار سستی شدند؟ برای بررسی علل اصلی این مسئله می‌توان این دو فرضیه را به آزمون گذاشت. ۱- تفاوت نگرش‌ها و انگیزه‌های صحابه موجب تنوع رفتاری آنان در غزوه تبوک شد. ۲- تعارض ارزش‌های دینی با سنت‌های جاهلی و گرایش گونه‌های رفتاری به هر کدام از آنها، در میزان همراهی صحابه با پیامبر(ص) در غزوه تبوک تاثیر گذاشت.

### گونه‌های رفتاری صحابه در غزوه تبوک بر اساس سوره توبه

در سال نهم هجرت اخباری مبنی بر آمادگی رومیان برای حمله به مدینه به پیامبر(ص) رسید. رسول اکرم (ص) همانند دیگر غزوات، مسلمانان را به جهاد فراخواند. با توجه به گسترش اسلام در شبه جزیره، پیک‌هایی از سوی پیامبر اکرم(ص) به مناطق مختلف ارسال شد (واقعی، ۱۳/۹۹۰). رسول اکرم(ص) بر خلاف دیگر غزوات که مقصد را پوشیده

نگه می‌داشت، در این غزوه از همان ابتدا مقصد را اعلان کرد (واقدی، ۹۹۹/۳؛ ابن سعد، ۱۲۶/۲-۱۲۷). مقصد، تبوک در شمال غربی شبه جزیره نزدیک مرز شام بود (بلاذری، فتوح البلدان، ۶۷/۱؛ اصطخری، ۲۱؛ یاقوت حموی، ۱۵/۲). رسول اکرم(ص) پیک‌هایی به مکه و قبایل فرستاد تا آنان را به جنگ گسیل دارد؛ بریده بن حصیب را به قبیله اسلم روانه کرد، ابو رهم غفاری به قبیله غفار فرستاده شد، ابو واقد لیشی و ابو جعد ضمیری هر یک به قبیله خود رفتند تا مردم را به جهاد فراخواندند. همچنین رافع بن مکیث و جندب بن مکیث به جهینه اعزام شد، نعیم بن مسعود به قبیله اشجع فرستاده شد و بدیل بن ورقاء و عمرو بن سالم و بشر بن سفیان به قبیله بنی کعب بن عمرو اعزام شدند. به قبیله سلیم نیز گروهی فرستاده شد (واقدی، همانجا). در این فراخوان عمومی، قبایل و گروه‌ها پاسخی یکسان به دعوت پیامبر(ص) ندادند. عده ای با بهانه جویی و عذر خواهی در صدد توجیه برآمده و از پیامبر(ص) خواستند آنان را از حضور در جهاد معاف دارد. برخی گرمای هوا را بهانه کردند که خداوند در آیه ۸۱ سوره توبه آنان را به آتش سوزان تر که همان آتش جهنم باشد، تهدید کرد (نیز نک: ابن سعد، ۱۲۵/۲؛ طبری، ۱/۱۰۰-۱۰۱). دلایل اصلی این ناهماهنگی به وضوح در سوره توبه بیان شده است. خداوند در این سوره با افشای نیات مسلمانان، ناهماهنگی و نوع همراهی آنان را در این غزوه بیان کرده است. منابع تاریخی نیز با استناد به قرآن و به کارگیری واژه‌ها و اصطلاحات قرآنی به گونه شناسی رفتاری صحابه پیامبر(ص) در تبوک پرداخته‌اند که در قیاس با گونه شناسی قرآن دقت کم‌تری دارد (واقدی، ۹۹۲-۹۹۵). در این پژوهش با استناد به آیات سوره توبه و منابع تاریخی، سنخ‌شناسی رفتار صحابه در بعد قول و فعل در غزوه تبوک صورت گرفته است.

بر اساس آیات سوره توبه می‌توان گونه‌های رفتاری صحابه در غزوه تبوک را چنین معرفی کرد: مؤمنان (راستین)<sup>۱</sup>، مؤمنان (در معرض لغزش)<sup>۲</sup>، معترفان به خطا و

۱. إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه/۱۱۱).

۳. لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُفٌ رَحِيمٌ (توبه/۱۱۷).

منتظران حکم الهی<sup>۱</sup>، متزلزلان مردد<sup>۲</sup>، عذر آورندگان<sup>۳</sup>، بیمار دلان<sup>۴</sup>، کنارگیرندگان یا قاعدین<sup>۵</sup> و منافقان<sup>۶</sup>. این گروه‌ها بر حسب نوع همراهی آنان با پیامبر(ص) که در قالب سخنان و یا عملی که انجام می‌دادند و در منابع نیز مشهود است، در پنج سنخ قرار گرفته اند: همراه کامل و بی قید و شرط، همراه حداکثری، نیمه همراه، همراه حداقلی و غیر همراه. آیات قرآن به صراحت یا به صورت ضمیر و ترکیبات وصفی و اضافی، سخنان و رفتار این افراد و گروه‌ها را بیان کرده است.

در سنخ همراه کامل کسانی قرار گرفته اند که به محض دریافت فرمان جهاد در غزه تبوک، به صورت قولی و فعلی با جان و مال در عرصه حاضر شده و در صد تدارک سپاه بر آمدند. بر اساس شواهد تاریخی این گروه در تمام لحظات و شرایط طاقت فرسای تبوک مطیع اوامر پیامبر(ص) بوده و با ایمانی راسخ بدون سوء ظن به وعده‌های خداوند با پیامبر(ص) همراه شدند. همین نوع همراهی آنان را از همراه حداکثری منفک می‌کند (نک: واقدی، ۹۹۶/۳).

در سنخ همراه حداکثری، گروهی قرار گرفته اند که با وجود ایمان و اطمینان به وعده‌های خداوند و رسول اکرم(ص)، در شرایط سخت و طاقت فرسای تبوک برای لحظاتی دچار لغزش شده یا از روی سهل انگاری از همراهی با پیامبر(ص) باز مانده بودند. این افراد به اشتباه خود پی برده و در صدد جبران بر آمدند. خداوند از آنها با عناوینی چون "كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ" و "أَخْرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ" نام می‌برد و با

۱. "وَأَخْرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ عَفُورٌ رَّحِيمٌ" (توبه/۱۰۲). در آیه ۱۰۶ همین سوره از گروه دیگری یاد شده است (مرجون) که ظاهراً وضع بدتری از گروه قبلی دارند و به سبب خطاکاری منتظر عذاب یا بخشش الهی هستند "وَأَخْرُونَ مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ" در این پژوهش این دو گروه با تسامح یکی شمرده شده‌اند.

۲. انما يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ (توبه/۴۵).

۳. وَجَاءَ الْمُعَذَّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذِنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (توبه/۹۰).

۴. وَ أَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَ مَاتُوا وَ هُمْ كَافِرُونَ (توبه/۱۲۵).

۵. "فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ ... (توبه/۸۱)." فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُواكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَ لَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ (توبه/۸۲).

۶. وَ مِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَى عَذَابٍ عَظِيمٍ (توبه/۱۰۱)

لحنی امیدوار کننده خبر از بخشودگی آنان می‌دهد. این گروه همراه پیامبر(ص) بودند، ولی چون در لحظاتی نزدیک بود بلغزند آنان از گروه همراه کامل منفک شده‌اند. ( نک: طبری، ۱۰۱/۳-۱۰۲)

صحابه سنخ نیمه همراه، بنابر اهداف منفعت طلبانه با پیامبر(ص) همراه شده بودند. این گروه در شرایط مناسب، پیامبر(ص) را همراهی کردند اما در شرایط دشوار و خطر که امنیت جانی آنان به خطر می‌افتاد، از همراهی خودداری نموده بودند (واقدی، ۳/۱۰۴۹؛ طبری، ۱۱۱/۳).

سنخ همراه حداقلی، گروهی بودند مصلحت جو و عافیت طلب که بنابر مصالح شخصی و گروهی با پیامبر(ص) همراه شده بودند. این گروه در بعد قولی همراهی داشتند، اما در شرایط دشوار حاضر به همراهی عملی نبودند (واقدی، ۳/۹۹۳).

سنخ غیر همراه نیز کسانی بودند که در همان ابتدا با اکراه و با اهداف منافقانه و تخریبی با پیامبر(ص) همراه شده بودند. عده ای از آنان با ماندن در مدینه و شایعه سازی، سعی داشتند مسلمانان را از همراهی باز دارند. گروهی دیگر نیز به اقدامات عملی و توطئه بر ضد پیامبر(ص) دست زدند. از آنجایی که این گروه آشکارا مخالفت خود را اعلام نمی‌کردند و سعی نمودند با ظاهر سازی رفتار خود را توجیه کرده و از اتخاذ موضعی مشخص خودداری کنند در زمره همراه منفعل قرار داده شده‌اند (نک: واقدی، ۳/۱۰۰۴؛ ابن هشام، ۲/۵۱۷). در تفکیک سنخ‌ها، شاخص‌ها و مصادیق رفتاری هر سنخ در بعد قولی و فعلی معیار قرار گرفته است. این شاخص‌ها بر گرفته از نوع رفتار سنخ‌ها در قرآن و منابع تاریخی است و در جدول زیر شاخص‌های محدود کننده سنخ‌ها خلاصه شده است.

## جدول شماره ۱: شاخص‌های محدود کننده سنخ‌های رفتاری صحابه در

## غزوه تبوک

رفتاری	قولی	شاخص‌ها سنخ‌ها
اطاعت از دستورات پیامبر(ص)، همراهی جانی و مالی، تلاش در تدارک سپاه، مقاومت و ثبات عقیده در شرایط سخت، مشارکت فعال در جنگ	تشویق و ترغیب سپاهیان، امید دادن به سپاهیان در موارد بحرانی، تقابل بیانی با منافقان و سرزنش آنان، اذن نرفتن به جهاد نمی‌خواهد، اذعان به وعده‌های الهی	همراه فعال (بی‌قید و شرط)
لغزش آئی، بی‌توجهی موقت به فرامین پیامبر(ص)، سهل‌انگاری در همراهی، امید به بخشش خداوند، تلاش برای جبران اشتباه خود	انابه کردن، استغفار و توبه به دلیل سستی در جنگ، طلب بخشش از پیامبر(ص)	همراه حداکثری
نشستن در خانه و آرزوی شکست مسلمانان، شک و تردید در همراهی، تحمل نکردن شرایط سخت	اذن برای نرفتن به جهاد، سوگند خوردن برای عذر خود از جهاد، خشنودی از ماندن خود در مدینه	نیمه همراه منفعت‌طلب
همراهی در شرایط آرام، ترک همراهی در شرایط دشوار، همراهی حسابگرانه متناسب با اهداف مادی	بهانه جویی، توجیه رفتار خود با سوگند دروغ خوردن	همراه حداقلی عافیت‌طلب
بی‌توجهی به دستورات پیامبر(ص)، بازگشتن از نیمه راه کارشکنی، توطئه، فتنه‌انگیزی، اقدام به قتل پیامبر(ص)، ساخت مسجد ضرار	تبلیغ، شایعه‌سازی، ترساندن مسلمانان، ایجاد اضطراب در میان مسلمانان، بزرگ‌نمایی قدرت رومیان، مسخره کردن امدادهای غیبی، سوگند دروغ خوردن، پیش‌بینی اسارت مسلمانان، ابراز خشنودی از همراه نشدن با ایشان پیامبر(ص)	غیرهمراه منافق

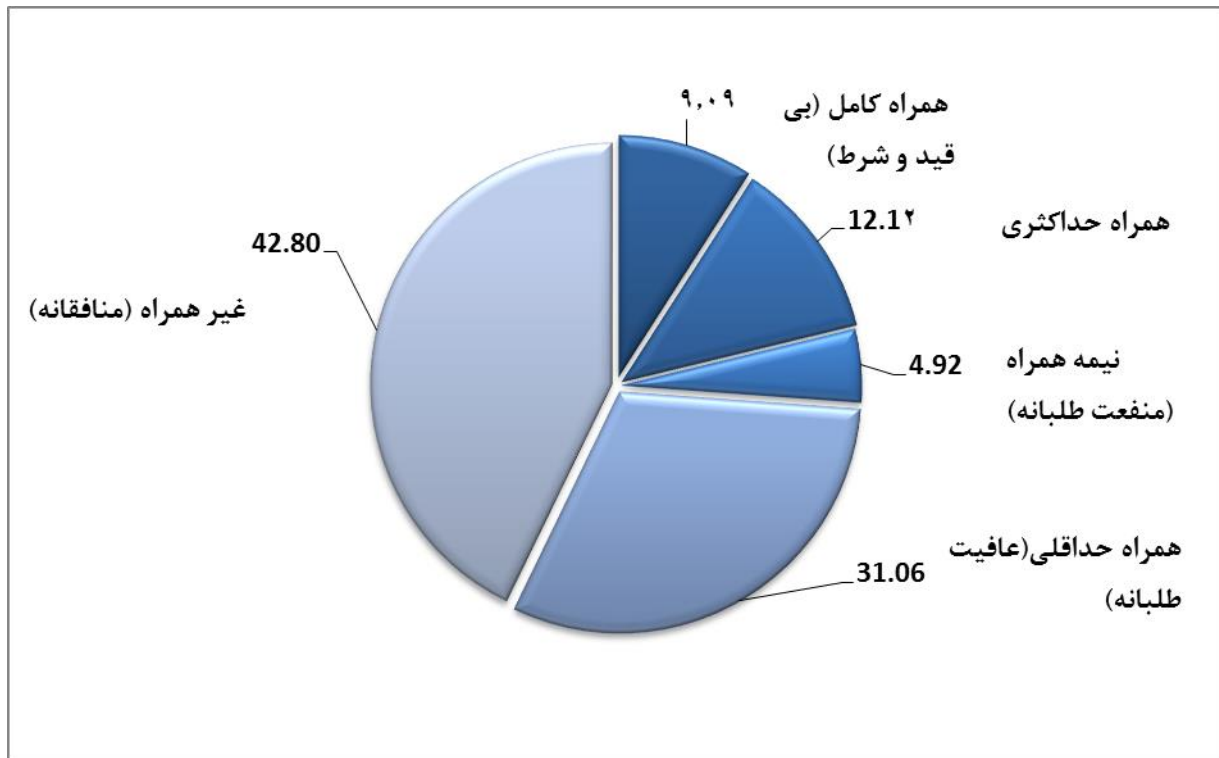
### فراوانی سنجی سنخ‌های رفتاری در غزوه تبوک

براساس شواهد و قراین موجود، مسلمانانی که در غزوه تبوک حضور داشتند، سی هزار نفر بودند. این آمار کلی است و در منابع به جزئیات آن توجه نشده است. تعداد افرادی که نوع همراهی آنان با پیامبر(ص) در منابع مشخص شده است، ۲۶۴ نفرند. این افراد از صحابه تقریباً مطرح پیامبر(ص) بودند و گویا از همین رو مورد توجه گزارش‌کنندگان منابع قرار گرفته‌اند. منظور از صحابه مطرح و شاخص کسانی هستند که پایگاه، مرتبه و منزلت آنان اعم از مثبت و منفی برای جامعه مسلمانان شناخته شده بود. این افراد در غزوه تبوک میزان همراهی یکسانی با پیامبر(ص) نداشتند بلکه با موضع‌گیری‌های متفاوتی که در گفتار و کردار داشتند، در پنج سنخ قرار داده شده‌اند. جامعه آماری در این پژوهش بر گرفته از آمار موجود در منابع یعنی ۲۶۴ نفر است نه کل جامعه مسلمانان. هر چند که واکنش عتاب‌آلود قرآن در سوره توبه می‌تواند وضع جامعه اسلامی سال نهم هجرت را نشان دهد اما به علت نبود اطلاعات و آمار دقیق نمی‌توان جامعه آماری را فراتر از این تعداد قرار داد. مبنای انتخاب افراد هر سنخ، شاخص‌ها و معیارهای رفتاری در دو بعد قول و فعل است. این شاخص‌ها بر حسب میزان همراهی تعیین شده‌اند. به این دلیل، افرادی که به دلیل نداشتن ساز و برگ جنگی در تبوک حضور نیافتند اما با رفتار قولی و فعلی اشتیاق خود را برای همراهی نشان دادند، در سنخ همراه کامل قرار گرفته‌اند (از این رو "همراه" و "غیر همراه" لزوماً به معنی حضور یا عدم حضور در غزوه نیست). همچنین مسلمانان با ایمانی که به دلیل سهل‌انگاری از همراهی باز مانده بودند، در سنخ همراه حداکثری قرار داده شده‌اند. افراد دیگر سنخ‌ها نیز متناسب با شاخص‌های رفتاری هر سنخ تفکیک شده‌اند. بنابراین هشت گونه رفتاری که قبلاً در پنج سنخ قرار داده شده بودند در جدول زیر بر اساس آمار موجود فراوانی سنجی شده و درصد فراوانی هر سنخ مشخص شده است. این جدول بر اساس آمار موجود نشان می‌دهد که کدام سنخ از درصد فراوانی بیشتری برخوردار بوده است.

جدول شماره ۲ و ۳: فراوانی سنجی سنخ‌های رفتاری صحابه در غزوه  
تبوک بر حسب نوع همراهی

سنخ‌ها	تعداد	درصد
همراه کامل (بی قید و شرط)	۲۴	۹.۰۹
همراه حداکثری	۳۲	۱۲.۱۲
نیمه همراه (منفعت طلب)	۱۳	۴.۹۲
همراه حداقلی (عافیت طلب)	۸۲	۳۱.۰۶
غیر همراه (منافق)	۱۱۳	۴۲.۸۰
مجموع	۲۶۴	۱۰۰





بر اساس آمار به دست آمده، بیشترین درصد فراوانی در سنخ پنجم؛ یعنی غیر همراه یا همراهی منافقانه بوده است. همراهی ظاهری آنان با پیامبر(ص) نیز زیان آور بود؛ زیرا با کارشکنی و ترساندن مسلمانان، جنگ روانی بین آنان به راه انداخته بودند (واقعی، ۱۰۰۱/۳-۱۰۰۲؛ ابن هشام، ۲/ ۵۲۳-۵۲۵). فراوانی افراد این سنخ در مسئله غزوه تبوک با وجود حضور پیامبر(ص)، نیازمند تبیین و علت یابی است. در بررسی این علل، نوع نگرش و انگیزه سنخ‌ها و تعارض ارزشها با سنت‌ها حائز اهمیت اند. تاثیر این عوامل بر پیدایش تنوع رفتاری مسلمانان در غزوه تبوک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### نگرش گونه‌های رفتاری مسلمانان در غزوه تبوک

رفتاری که صحابه در دو بعد قولی و فعلی در غزوه تبوک نشان دادند، از نوع نگرش آنان نسبت به این رخداد نشأت می‌گرفت. در بررسی علل بروز رفتار انسان، متفکران بر این

عقیده اند که رفتار از دو عامل درونی و بیرونی سرچشمه می‌گیرد. عامل درونی نگرش‌ها هستند. آن دسته از نگرش‌هایی که ریشه در اعتقادات و باورهای افراد دارد، عمیق‌ترند. عامل بیرونی فشارهای محیطی‌اند که بر حسب شرایط شکل گرفته و در بروز رفتار تاثیر گذارند (آذربایجانی، ۱۵۹). مؤلفه‌های اصلی نگرش عبارتند از عنصر شناختی، عنصر احساسی و تمایل به عمل. عنصر شناختی اعتقادات و باورهای افراد است که در مواجهه با یک موقعیت، متناسب با آنها عمل می‌کنند (کریمی، ۲۲۴-۲۲۵).

در تبیین رفتار اصحاب پیامبر(ص) در غزوه تبوک و علت پیدایش گونه‌های رفتاری متعدد، می‌توان نوع نگرش آنان یعنی میزان اعتقاد و باور به آموزه‌های دینی و وعده‌های خداوند را مورد توجه قرار داد. گروه همراه کامل را می‌توان معتقدان به دین و مؤمنان تزلزل‌ناپذیر نامید. آنان بدون سستی و تردید به وعده‌های خدا و رسول در تبوک حضور یافته و آن را فرصتی مغتنم شمردند و اذعان داشتند که نمی‌خواهند این فرصت را از دست دهند (واقعی، ۹۹۳/۳؛ یعقوبی، ۶۷/۲؛ بلاذری، انساب الاشراف، ۳۶۸/۱).

دسته دیگر از صحابه دارای نگرشی منفعت طلبانه بوده و با در نظر گرفتن شرایط و وضع موجود نوع همراهی و مشارکت خود را انتخاب می‌کردند. این افراد را می‌توان مسلمانان سست ایمانی دانست که نگرش آنان از امور مادی فراتر نرفته بود و از درک مفاهیم دینی و اخروی عاجز مانده بودند. آنان بر اساس نگرش منفعت طلبانه در جهاد مشارکت داشتند. زمانی که امید غنیمت و بدست آوردن اموال می‌رفت با رغبت حضور می‌یافتند اما اگر مقصد جنگ دور و انتظار غنیمتی نیز نمی‌رفت جان خود را به خطر نمی‌انداختند و با بهانه‌های مختلف از مشارکت سرباز می‌زدند (واقعی، ۹۹۵/۳؛ ابن اثیر، ۲۷۸/۲). خداوند در آیه ۴۲ سوره توبه این گروه اشاره کرده است: "لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَ سَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَ لَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ الشَّقَّةُ وَ سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ". با استناد به این آیه، این گروه بعد از بازگشت پیامبر(ص) از تبوک سوگندهای مکرر یاد می‌کردند که استطاعت همراهی نداشتیم و گرنه شما را همراهی می‌کردیم. در منابع تاریخی نیز مکرر به سوگندهای دروغین آنان اشاره شده است (واقعی، ۱۰۰۴/۳). قرآن این گروه را دروغ-گویان خطاب کرده و علت همراهی نکردن آنان را عدم منفعت مادی و مشقت و دوری راه دانسته است (نک: طباطبایی، ۴۴۰/۹-۴۴۱).

دسته دیگر از اصحاب پیامبر(ص)، نگرش مصلحت جویانه به این غزوه داشته و متناسب با این نگرش رفتار می‌کردند. این گروه، مصلحت خود را در تظاهر به همراهی قولی دانسته اما در عمل از همراهی خودداری کردند. آنان برای اینکه عدم همراهی خود را توجیه کنند، از پیامبر(ص) معافیت از جهاد طلبیدند و ایشان نیز که خیری در این گروه نمی‌دید، موافقت کرد (واقعی، ۳/۹۹۳). خداوند حضور این گروه در جهاد را باعث ایجاد فتنه در بین مسلمانان دانسته و در آیات ۴۷ و ۴۸ توبه به آن اشاره کرده است:

"لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (۴۷) لَقَدْ ابْتِغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ".

دسته دیگر که منافقان بودند نگرشی کفرآمیز به آموزه‌های دینی داشته و نه تنها در همراهی با پیامبر(ص) در تبوک خودداری کرده، بلکه به ایجاد تبلیغات و توطئه علیه مسلمانان نیز دست زدند. این گروه به دو دسته تقسیم شدند. یک دسته کسانی که تظاهر به همراهی کرده و در عرصه تبوک به شکل‌های مختلف در صدد ضربه زدن به مسلمانان برآمدند. دسته دیگر در مدینه مانده و با نقشه‌های خرابکارانه و توطئه آمیز چون ساخت مسجد ضرار به تقابل عملی با اسلام پرداختند (طبرسی، ۵/۶۵).

در بررسی گروه‌های یاد شده می‌توان دو عامل را در تکوین نگرش‌های مثبت و منفی آنان به آموزه‌های دینی موثر دانست: ۱- اهدافی که هر کدام از گروه‌ها در صدد دست یابی به آن بودند. ۲- شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی در سال نهم هجرت. هدف از نیاز سرچشمه می‌گیرد و اهدافی که گروه‌ها بنا بر نوع رفتارشان در پی دست یابی به آن بودند، اهداف غایی و اخروی یا اهداف مادی و دنیوی بود. گروه‌های دارای اهداف غایی، با نگرش معنوی و فرامادی، سعادت، رستگاری و دست یابی به پاداش‌های اخروی را در پرتو شرکت در جهاد به عنوان یک فریضه می‌جستند و شرکت در آن را تکلیف شرعی دانسته و با اشتیاق و بدون تعلل در عرصه حضور یافتند (طبرسی، ۳/۱۰۲). این گروه با تسلیم در برابر وعده‌های الهی با تحمل سختیها و مشقات و روحیه مجاهدانه در تمام لحظات غزوه تبوک، پیامبر(ص) را همراهی می‌کردند (ابن سعد، ۲/۶۷).

دسته‌های منفعت طلب و مصلحت جو دارای اهدافی مادی و دنیوی بودند. این مسئله از رفتاری که از نیاتشان سرچشمه می‌گرفت و در جریان تبوک به صورت کلامی

و عملی نشان دادند، مشخص می‌شود. منافقان در زمره این گروه‌ها بودند. عده زیادی از آنان به سرگردگی عبدالله بن ابی که به روایتی همراهان وی، چیززی کمتر از سپاه پیامبر(ص) نبود، در ثنیه الوداع از همراهی خودداری کرده و به مدینه بازگشتند (ابن هشام، ۵۱۹/۳).

خداوند نیز در آیات متعددی به رفتار این گروه اشاره داشته و با مشخص کردن نوع رفتار سنخ‌ها، آنان را از هم جدا کرده است. در دیدگاه قرآن، سنخ غیر همراه و منافق دارای مشخصاتی چون حضور با کسالت در نماز، سوگندهای دروغین، استهزاء، طعنه زدن<sup>۱</sup> بودند و در مقابل، مومنان راستین با اوصاف: توبه‌کنندگان، پرستشگران، روزه داران، رکوع گزاران، سجده‌کنندگان، امرکنندگان به نیکی و بازدارندگان از بدی و نگهبانان از مرزهای خدا؛ ستوده شده‌اند.<sup>۲</sup>

سنخ منافق برای سرپوش گذاشتن بر نگرش واقعی خود به دین و آموزه‌های دینی به شیوه‌های دیگری روی می‌آوردند. ۱- شیوه متقاعد سازی: این گروه با استفاده از این روش تلاش می‌کردند، با متقاعد کردن پیامبر(ص) از حضور در جهاد معاف شده و اقدام خود را توجیه شرعی کنند. ۲- بهانه‌های واهی برای همراهی نکردن با پیامبر(ص). این گروه نه تنها قبل از غزوه تبوک در صدد توجیه رفتار خود بر آمدند، بلکه پس از بازگشت پیامبر(ص) با سوگند و زبان تند و تیز بیماری خود را بهانه کرده و از ایشان عذرخواهی کردند. رسول اکرم(ص) که امیدی به اصلاح آنها نداشت، شدت عملی نشان نداد (واقعی، ۱۰۴۹/۳؛ بیهقی، ۲۱۹/۵). در حالی که نسبت به سستی کسانی چون کعب بن مالک که از مسلمانان معتقد بود و صرفاً به دلیل سهل‌انگاری در تبوک حضور نیافته بود، شدت عمل نشان داد (واقعی، ۱۰۴۹/۳). به این ترتیب، رفتار صحابه متناسب با اهداف مادی و معنوی در غزوه تبوک، منجر به تنوع گونه‌های رفتاری شد که در جامعه اسلامی عصر نبوی تا قبل از آن سابقه نداشت. این مسئله نشان از ناهماهنگی و یکدست نبودن جامعه اسلامی در سال نهم هجرت دارد که می‌توان ریشه دیگر این ناهماهنگی را در گرایش مسلمانان به سنت‌های اجتماعی یا ارزش‌های دینی دانست.

۱. توبه/ ۵۴، ۵۶، ۶۴-۶۵، ۷۹

۲. توبه/ ۱۱۲

### تأثیر ارزش‌ها و سنت‌ها در تنوع رفتاری مسلمانان در غزوه تبوک

تنوع رفتاری اصحاب پیامبر(ص) در غزوه تبوک، نشانه حضور گروه‌های عقیدتی و فکری در جامعه اسلامی سال نهم هجرت است. این میزان تنوع رفتاری تا واقعه تبوک در بین مسلمانان سابقه نداشت. هر چند که در غزوات قبلی خاصه، غزوه خندق افراد و حتی گروه‌هایی بودند که در پذیرش فرمان‌های پیامبر(ص) با تردید عمل کردند، اما میزان نافرمانی و نیز وضوح آن به اندازه غزوه تبوک نبود. در این غزوه، مخالفت با پیامبر(ص) نه از سوی افراد بلکه از سوی گروه‌های متعددی از جامعه بروز کرد. این وضع نمی‌تواند صرفاً معلول شرایط زمانی و مکانی غزوه تبوک باشد، بلکه می‌تواند ریشه در ابعاد عقیدتی و فکری مسلمانان و گونه‌های رفتاری داشته باشد. مسلمانان بسیاری از مسلمانان بخشی از عمرشان را در دوره جاهلیت سپری کرده و سنت‌های اجتماعی در وجود آنان رسوخ یافته بود از این رو گرچه آنان اسلام را پذیرا شده بودند اما در مواردی با پیامبر(ص) مجادله می‌کردند و از دستورات ایشان سرپیچی می‌کردند. نمونه بارز این برخورد مسلمانان را می‌توان در جریان صلح حدیبیه (واقعی، ۲/۶۰۶-۶۰۷)، مقاومت در پرداخت زکات (طوسی، ۱۱۱-۱۱۲) مشاهده نمود. هر چند بخشی از این مجادلات مانند صلح حدیبیه به بهانه حفظ دین صورت گرفت اما تزلزل عقیدتی این گروه نشان از باورهای گذشته آنان داشت که بدون توجه به شرایط و موقعیت زمانی پذیرش شروط دشمن را به منزله ضعف قلمداد می‌کردند (واقعی، ۲/۶۰۶-۶۰۷).

با توجه به اینکه در سال نهم هجرت آیین اسلام در میان مسلمانان پذیرفته شده بود و ارزش‌های دینی بر سنت‌های جاهلی غلبه کرده بود. این مسئله باعث می‌شد مسلمانان متمایل به سنت‌های اجتماعی گذشته نتوانند آشکارا گرایش خود را نشان دهند. به این ترتیب، مسلمانانی که همراهی قولی داشتند اما از همراهی فعلی و عملی با پیامبر(ص) باز مانده بودند، سعی می‌کردند در ظاهر خود را هماهنگ با ارزش‌های غالب جامعه نشان دهند. این گروه برای جلوگیری از سرزنش‌های اجتماعی و حفظ منافع شخصی و گروهی تظاهر به همراهی می‌کردند.

در بررسی علت بروز تنوع رفتاری مسلمانان، خصوصاً منافقان که تلون آنها در تبوک به نسبت سایر گروه‌ها بیشتر بود، می‌توان به پیامد فتح مکه و موج اسلام‌پذیری بسیاری از قبایل شبه جزیره که تا آن زمان بر عقاید و سنت‌های گذشته پافشاری داشتند، اشاره کرد. این تازه مسلمانان که هنوز ایمان در قلب هایشان نفوذ نکرده بود

موجب افزایش کمی سست ایمانان و منافقان شد. این وضع در بررسی واکنشی که تازه مسلمانان به دعوت پیامبر(ص) در غزوه تبوک دادند، نمود یافت. با توجه به آیه ۹۰ سوره توبه عده‌ای از اعراب به جای حرکت به سوی تبوک به مدینه آمدند تا عذر از جهاد بخواهند. این مسئله نشان می‌دهد که هر چند این گروه اسلام را بنا بر مصالح سیاسی پذیرفته بودند اما حاضر نمی‌شدند در عمل به آموزه‌های دینی و در جهت تقویت قدرت اسلامی بکوشند. از طرفی نیز قصد نداشتند در موضع تقابل قرار گیرند. راه مناسب را در کسب اجازه از پیامبر برای عدم مشارکت و عذر خواهی می‌دانستند.

پیامبر(ص) نیز با درک شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه برخلاف دیگر غزوات، مقصد جنگ را اعلام کرد تا میدان برای تشخیص مومنان واقعی و مسلمانان سست ایمان و منافقان باز باشد. مسلمانان پایبند به ارزش‌های دینی با رغبت حضور یافتند. در میان آنان کسانی که توانایی مالی داشتند، تدارکات سپاه را برآورده و با جان و مال در جهاد شرکت کردند (بلاذری، *انساب/الاشراف*، ۱/۳۶۸). قتال در راه خدا از بار ارزشی برخوردار بود و در آیات متعددی از قرآن کریم به ارزش مجاهدان، منزلت و شأن آنان اشاره شده و این گروه را بر قاعدین برتر دانسته است<sup>۱</sup>. بنا بر این می‌توان الگوی رفتاری اصحاب پیامبر(ص) را متأثر از عوامل ارزشی مطابق مدل زیر نشان داد.

فرهنگ ← ارزشها ← اهداف ← رفتار

سنخ غیر همراه و منافق در این غزوه، کسانی بودند که درک درستی از ارزش‌های دینی نداشتند و بر اساس مصالح و اهداف فردی و گروهی، رفتاری در جهت مخالف ارزش‌های دینی در پیش گرفته بودند. فراوانی این گروه به حدی بود که به چندین دسته تقسیم می‌شدند که در سوره توبه با واژه "و منهم" یاد می‌کند (آیات ۴۱، ۵۸، ۶۱، ۷۵). از طرفی کثرت حضور منافقان در مدینه می‌توانست خطر آفرین باشد و شاید به جهت پیشگیری از توطئه آنان، پیامبر اکرم(ص)، علی(ع) را در مدینه گمارد (نک: مسعودی، ۳۲۵). اقدام دیگر منافقان در ساخت مسجد ضرار نشانه‌ای از توطئه زیرکانه آنان بود که مسجد را پایگاهی برای مبارزه با مسجد پیامبر(ص) کنند؛ اما پیامبر اکرم(ص) به رغم اصرار منافقان در مسجد ضرار نماز نخواند و توطئه آنان را خنثی کرد (نک: توبه/۱۰۷-۱۱۰؛ قس: ابن هشام، ۲/۵۳۰).

منافقانی که در غزوه تبوک حضور یافته بودند نیز بی تفاوت نبوده و در شرایط مختلف به کارشکنی، شایعه پراکنی (واقعی، ۳/۱۰۳-۱۰۴)، نافرمانی از دستورات پیامبر(ص) (طبری، ۳/۱۰۸) و حتی توطئه قتل ایشان دست زدند (واقعی، ۳/۱۰۴۳). با توجه به شایعه پراکنی منافقان در جریان تبوک در بزرگ نمایی قدرت روم و همچنین پیش بینی اسارت مسلمانان توسط رومیان و عملی نشدن آن، این گروه در بازگشت در صدد قتل پیامبر(ص) برآمدند که در این مورد نیز راه به جایی نبردند (واقعی، ۳/۱۰۴۲-۱۰۴۳). در بازگشت به مدینه، منافقانی که در جهاد شرکت نکرده بودند با مراجعه به پیامبر(ص) در صدد توجیه رفتار خود برآمدند و با سوگندهای مکرر تخلف خود از جهاد را توجیه می‌کردند (همو، ۳/۱۰۴۹).

حیات اجتماعی این سنخ مسلترم پذیرش ارزش‌های حاکم بر جامعه بود؛ زیرا در زندگی اجتماعی صرف توجه به خواسته‌های فردی نمی‌توانست ادامه زیست اجتماعی را تامین سازد. حفظ منزلت، عزت نفس، حفظ آبرو و حیثیت اجتماعی و... از عوامل دیگری بودند که برای مسلمانان در جامعه اسلامی احترام به وجود می‌آورد. این افراد از توبیخ، سرزنش و طرد از جامعه گریزان بودند (رفیع پور، ص ۴۱). در جامعه اسلامی با وجود حاکمیت قوانین و معیارهای ارزشی بر جامعه، افراد برای تداوم زندگی اجتماعی حتی بر خلاف اعتقادات و باورهایشان نیاز داشتند با شرایط حاکم تظاهر به همراهی کنند.

از آنجا که جهاد و جنگ در راه خدا یکی از ارزش‌های جامعه نوپای مدینه بود و موجب کسب احترام و منزلت اجتماعی می‌شد برای متخلفان از جهاد سرزنش خدا و رسول و مسلمانان را به همراه داشت و گاه چنان فضای اجتماعی بر متخلفان سخت می‌شد که به مثابه مجازات غیر رسمی تلقی می‌شد و آنان را وا می‌داشت تا برای رهایی از این گرفتاری به توجیه رفتارهای ناپسند خود از طرق گوناگون (نک: واقعی، ۳/۱۰۴۹؛ طبرسی، ۵/۶۰).

بنابراین می‌توان گفت غزوه تبوک صحنه آشکار سازی عقاید، افکار درونی و میدان مبارزه جدی سنت‌های جاهلی با ارزش‌های اسلامی بود که در قالب تنوع گونه‌های رفتاری نمود یافته بود. این مسئله می‌تواند شاخصی برای نشان دادن وضع فرهنگی و اجتماعی جامعه اسلامی سال نهم هجری باشد که با وجود حضور پیامبر(ص) در جامعه نشانه‌های از بازگشت سنت و فرهنگ جاهلی در قالب‌های جدید بود. با پی‌گیری این

مسئله، می‌توان به وضوح مشاهده کرد که بعد از رحلت پیامبر(ص) با در دست گرفتن قدرت توسط گروه‌هایی که تمایل به سنت‌های گذشته داشتند، چگونه در اندک زمانی تحولاتی عمیق در جامعه اسلامی پدید آمد.

### نتیجه

در بررسی سنخ‌شناسی رفتاری مسلمانان در غزوه تبوک، مطابق سوره توبه و شواهد تاریخی، هشت گونه شناسایی شدند که در پنج سنخ قرار داده شدند. سنخ همراه کامل و بی قید و شرط، همراه حداکثری، نیمه همراه منفعت طلب، همراه حداقلی مصلحت جو و غیرهمراه یا منافق. با بررسی جامعه آماری موجود در منابع از ۲۶۴ نفر که در غزوه تبوک رفتاری متفاوت در نوع همراهی با پیامبر(ص) داشتند، ۱۱۳ نفر از آنها در سنخ پنجم قرار گرفتند. البته معیارهای تفکیک کننده سنخ‌ها نوع تبعیت از دستورات پیامبر(ص) و میزان تلاش آنها برای تدارک سپاه، همراهی فعال و با اشتیاق برای تبوک انتخاب شده است.

در تبیین علل و عوامل تاثیر گذار بر فراوانی سنخ غیرهمراه، دلایل روانشناختی و ارزشی مورد توجه بود. در علل روانشناختی نگرش، انگیزه، نیاز و اهداف سنخ غیرهمراه سبب در پیش گرفتن گفتار و رفتار مخالف با پیامبر(ص) شد؛ زیرا مطابق دیدگاه این گروه رسیدن به اهداف مادی و نیازهای دنیوی اولویت داشت و زمانی که شرایط برای دست یابی به این اهداف فراهم بود، پیامبر(ص) را همراهی می‌کردند و با بروز مشکلات و موانع رسیدن به هدف، از همراهی خودداری می‌کردند. میزان سختیهای غزوه تبوک به حدی بود که این سپاه را "سپاه عُسرت" نامیدند. عامل موثر دیگر بر نوع رفتار سنخ غیر همراه تعارض ارزشی بود که بین ارزش‌های مادی و معنوی به وجود آمد. از آنجایی که این افراد عقاید ضعیفی داشتند، نمی‌توانستند شرکت در جهاد و شهادت را یک فضیلت بدانند، بلکه با نگاهی حسابگرانه مادی می‌سنجیدند. این گروه اهداف مادی داشته و متناسب با میزان دسترسی به آن رفتار می‌کردند. به علاوه آنان رفتاری کینه توزانه و در جهت تخریب روحیه مسلمانان و ضربه زدن به اسلام در پیش گرفتند و با اقدامات عملی در نقطه تقابل با مسلمانان قرار گرفتند.



## منابع

۱. آذربایجانی، مسعود، *روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
۲. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر، ۱۹۶۵.
۳. ابن سعد، *طبقات الکبری*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۰.
۴. ابن هشام، *السیره النبویه*، بیروت، دار المعارف، بی تا.
۵. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، *المسالك و الممالک*، بیروت، دارصادر، ۲۰۰۴.
۶. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسن، *دلایل النبوة*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۵.
۷. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، *انساب الاشراف*، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۶.
۸. همو، *فتوح البلدان*، بیروت، دارالمکتبه الهلال، ۱۹۸۸.
۹. رفیع پور، فرامرز، *آنانومی جامعه*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین، *تفسیر المیزان*، محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹.
۱۱. طبرسی، *مجمع البیان*، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵.
۱۲. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ*، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.
۱۴. کریمی، یوسف، *روانشناسی اجتماعی*، تهران، انتشارات ارسباران، ۱۳۸۴.
۱۵. مسعودی، ابوالحسن، *التنبیه و الاشراف*، قاهره، دارالصاوی، بی تا.
۱۶. واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۴۰۹.
۱۷. یاقوت حموی، *معجم البلدان*، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۵.
۱۸. یعقوبی، ابی واضح، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر، بی تا.